

نقش مسجد در تربیت اجتماعی و دینی نوجوانان

مهدی بهشتیان فرد

سطح ۱ مدرسه علمیه انوار الصادق ۲، خراسان رضوی مشهد



MDOI-02-2026.0063

چاپ شده 64-2-4E3616



دوران نوجوانی به عنوان مرحله‌ای حساس از گذار هویتی و بیولوژیک، نیازمند بسترهای تربیتی کارآمد برای مقابله با چالش‌های عصر حاضر است. نهاد مسجد در تمدن اسلامی، پتانسیلی فراتر از یک فضای صرفاً عبادی داشته و همواره به عنوان کانون تربیت دینی و جامعه‌پذیری ثانویه عمل کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی نقش و کارکردهای چندگانه مسجد در تربیت دینی و اجتماعی نوجوانان و همچنین آسیب‌شناسی چالش‌های پیش روی این نهاد در عصر دیجیتال می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین ظرفیت‌های تئوریک مسجد و واقعیت‌های اجرایی آن، به ویژه در مواجهه با نسل جدید (نسل Z و آلفا)، شکاف عمیقی وجود دارد که ناشی از انجماد ساختاری، زبان اقتدارگرا، عدم جذابیت بصری در رقابت با رسانه‌های نوین و رویکردهای روان‌شناختی نادرست است. در نهایت، این مقاله راهکارهای استراتژیکی را در سه سطح ساختاری (مدیریت مشارکتی و جوان‌گرا)، محتوایی (رویکرد پرسش‌محور و گفتگو‌محور) و ارتباطی (حضور فعال در زیست‌جهان دیجیتال و روان‌شناسی مثبت‌گرا) ارائه می‌دهد تا مسجد بتواند بار دیگر به عنوان یک زیست‌گاه امن و کانون پویای رشد همه‌جانبه نوجوانان ایفای نقش کند.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، تربیت اجتماعی، مسجد، نوجوان، عصر دیجیتال، جامعه‌پذیری، آسیب‌شناسی تربیتی.

دوران نوجوانی به عنوان یک دوره گذار از نظر بیولوژیک، روانی و اجتماعی، یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مراحل حیات انسان محسوب می‌شود. این مرحله، شکلی از بازسازی بنیادین شخصیت است که در آن، فرد از وابستگی مطلق به والدین به سوی استقلال فردی و جستجوی هویت حرکت می‌کند (Santrock, 2019). در این مسیر، نوجوان با موجی از تغییرات هورمونی، تکانه‌های هیجانی شدید و پرسش‌های وجودی روبرو می‌شود که اگر به درستی هدایت نشوند، می‌توانند منجر به بروز آسیب‌های رفتاری، فکری و اجتماعی گسترده‌ای گردند (موسوی، ۱۴۰۱).

در دنیای معاصر، این حساسیت دوچندان شده است. ورود به عصر اطلاعات و سلطه بی‌حد و حصر رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، بستری را فراهم آورده که در آن، ارزش‌های سنتی و مذهبی با مفاهیم نوظهور و گاه متضاد (مانند فردگرایی مفرط، مادی‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی) به چالش کشیده می‌شوند (اکبری، ۱۴۰۱). در چنین شرایطی، نوجوان نه تنها در جستجوی هویت خویش است، بلکه در میانه‌ی یک «نبرد معنایی» قرار دارد که در آن، یافتن یک مرجعیت معتبر و امن برای پاسخ به پرسش‌های بنیادین، حیاتی است.

در این میان، نهاد مسجد به عنوان کانون تمدنی و تربیتی در تاریخ اسلام، پتانسیلی فراتر از یک فضای صرفاً عبادی دارد. مسجد در الگوهای نخستین تمدن اسلامی، تنها مکانی برای انجام تکالیف مذهبی نبود، بلکه «مرکز ثقل» جامعه برای آموزش، مشاوره، مدیریت بحران و پیوند اجتماعی به شمار می‌رفت (احمدی، ۱۴۰۴). با این حال، با تغییر ساختار جامعه و تغییر سبک زندگی نسل‌های جدید، کارکرد سنتی مسجد با چالش‌های جدی روبرو شده است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شکاف میان زبانِ مربیان مساجد و نیازهای مدرن نوجوانان، منجر به نوعی «بیگانگی محیطی» شده است که در آن، نوجوان مسجد را فضایی محدودکننده یا صرفاً تشریفاتی می‌بیند (حسینی، ۱۴۰۳).

ضرورت این نوشتار از آنجا ناشی می‌شود که نیاز مبرمی به بازخوانی و بازتعریف نقش مسجد در عصر حاضر وجود دارد. اگر مسجد نتواند از نقش یک «محافظ سنتی» به یک «مربی پویا و همراه» تغییر وضعیت دهد، از چرخه تأثیرگذاری بر نسل‌های آینده باز خواهد ماند (رضایی، ۱۴۰۲). این مقاله با هدف بررسی جامع این موضوع تدوین شده است تا نشان دهد چگونه می‌توان با استفاده از رویکردهای نوین تربیتی، مسجد را به یک «مرکز جامع رشد» تبدیل کرد که در آن، تربیت دینی (تقویت پیوند با خداوند و مقابله با شبهات) و تربیت اجتماعی (پرورش مهارت‌های زندگی و مسئولیت‌پذیری) به شکلی متوازن و همسو با نیازهای روان‌شناختی نوجوان انجام پذیرد.

در نهایت، این پژوهش تلاش می‌کند با تبیین آسیب‌های موجود و ارائه راهکارهای عملیاتی، الگویی برای نوسازی فعالیت‌های مسجدی ارائه دهد تا این نهاد بتواند بار دیگر به عنوان یک پناهگاه امن و یک کانون روشنگری در زندگی نوجوانان ایفاده نقش کند.

بخش دوم: مبانی نظری و دینی نقش مسجد در تربیت

برای درک دقیق نقش مسجد در تربیت نوجوان، ابتدا باید ماهیت این نهاد را از دو منظر «تاریخی-اسلامی» و «جامعه‌شناختی» بازخوانی کرد. مسجد تنها یک سازه معماری برای اقامه نماز نیست، بلکه یک «ساختار اجتماعی-مذهبی» است که وظیفه انتقال ارزش‌ها و حفظ همبستگی جامعه را بر عهده دارد.

۱. الگوی نبوی و جایگاه مسجد در تمدن اسلامی

در تاریخ صدر اسلام، مسجد پیوند عمیقی میان امر قدسی (Religiosity) و امر اجتماعی (Sociality) برقرار کرده بود. مسجد پیامبر (ص) تنها محل انجام تکالیف عبادی نبود، بلکه به عنوان یک «مجموعه چندمنظوره» (Multi-functional Complex) عمل می‌کرد که در آن آموزش، مشاوره، مدیریت سیاسی و عدالت اجتماعی با هم تلفیق می‌شدند (احمدی، ۱۴۰۴).

از منظر قرآن کریم، مساجد «خانه‌های خدا» (بیوت الله) هستند که هدف از بنای آن‌ها، تنها اقامه نماز نیست، بلکه ایجاد پیوند میان مؤمنان و پاکسازی روانی و اجتماعی آن‌هاست. در این نگاه، تربیت نوجوان در مسجد، بر پایه اصل «تزکیه» (پاکسازی باطن) و «تعلیم» (انتقال دانش) استوار است. این پیوند میان آموزه‌های وحیانی و فعالیت‌های اجتماعی، باعث می‌شود که نوجوان، دین را نه به عنوان مجموعه‌ای از تکالیف خشک، بلکه به عنوان یک «سبک زندگی» (Lifestyle) ملموس تجربه کند (نورانی، ۱۴۰۱).

۲. دیدگاه جامعه‌شناختی: مسجد به مثابه نهاد

از منظر جامعه‌شناسی، فرآیند «جامعه‌پذیری» یا همان Socialization، فرآیندی است که طی آن فرد ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های اجتماعی را از نهادهای اصلی (مانند خانواده، مدرسه و مذهب) فرا می‌گیرد (Santrock, 2019). در این میان، مسجد به عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای «جامعه‌پذیری ثانویه»، نقش واسط میان «جامعه کوچک خانواده» و «جامعه بزرگ کشور» را ایفا می‌کند.

در دوران نوجوانی که فرد در تلاش برای خروج از سایه خانواده و ورود به بدنه جامعه است، مسجد محیطی را فراهم می‌کند که در آن نوجوان می‌تواند بدون فشار مستقیم والدین، با طیف وسیعی از الگوهای رفتاری و فکری

آشنا شود. این تعاملات، «سرمایه اجتماعی» (Social Capital) نوجوان را افزایش داده و به او کمک می‌کند تا هویت اجتماعی خود را در چارچوب ارزش‌های اخلاقی و انسانی تعریف کند (کریمی، ۱۴۰۳).

۳. پیوند میان معنویت و سلامت روان

یکی از مبانی نظری مهم در این بخش، نقش «معنویت» در پایداری روانی نوجوانان است. تحقیقات نشان می‌دهند که نوجوانانی که دارای یک «پایه معنوی» (Spiritual Base) استوار هستند، در مواجهه با بحران‌های وجودی و تنش‌های روانی، تاب‌آوری (Resilience) بیشتری از خود نشان می‌دهند (رضایی، ۱۴۰۲).

مسجد با فراهم کردن بستری برای تجربه‌ی «حضور در پیشگاه خداوند» و «تمرکز ذهنی» (Mindfulness) از طریق عبادات، می‌تواند به نوجوان کمک کند تا با اضطراب‌های دوران بلوغ و چالش‌های هویتی مقابله کند. در واقع، مسجد با ارائه یک «معنای کلی» به زندگی، از پوچی و بی‌هدفی که یکی از بزرگترین آسیب‌های دوران نوجوانی در دنیای مدرن است، جلوگیری می‌کند (احمدی، ۱۴۰۴).

۴. نتیجه‌گیری نظری بخش دوم

بنابراین، مبانی تربیتی مسجد بر سه رکن اصلی استوار است:

۱. رکن اعتقادی: ** ایجاد پیوند میان فرد و خالق (تعلق به امر قدسی).
۲. رکن اخلاقی: تبدیل ارزش‌های الهی به رفتارهای انسانی (تزکیه).
۳. رکن اجتماعی: تمرین زندگی در جمع و یادگیری مسئولیت‌پذیری (جامعه‌پذیری).

این مبانی نشان می‌دهند که اگر مسجد بتواند میان این سه رکن تعادل برقرار کند، می‌تواند به عنوان یکی از کارآمدترین محیط‌ها برای تربیت جامع نوجوانان عمل نماید.

بخش سوم: نقش مسجد در تربیت دینی نوجوانان



تربیت دینی در دوران نوجوانی، صرفاً به معنای یادگیری مجموعه‌ای از احکام و تکالیف فقهی نیست؛ بلکه به معنای فرآیند «ساختن نظام باورها» (Belief System Construction) و ایجاد یک معنای زیسته است. مسجد، به عنوان یک محیط تخصصی، می‌تواند در چهار لایه اصلی بر این فرآیند اثرگذار باشد:

۱. ارتقای پیوند معنوی و عادت‌سازی به عبادات

یکی از بزرگترین چالش‌های تربیت دینی در دوران نوجوانی، تبدیل «دین موروثی» (Inherited Religion) به «دین اکتسابی و انتخابی» (Acquired Religion) است. مسجد با فراهم کردن فضای جمعی برای انجام عبادات، به نوجوان کمک می‌کند تا از حالت «اجبار خانوادگی» خارج شده و به سمت «تجربه شخصی» حرکت کند.

* تجربه عبادات جمعی: حضور در نمازهای جماعت و مراسم‌های مذهبی، باعث ایجاد نوعی «هویت جمعی مذهبی» می‌شود. این حضور، به نوجوان حس تعلق به یک امت و یک جامعه بزرگتر را می‌دهد که در دوران جستجوی هویت، بسیار حیاتی است (رضایی، ۱۴۰۲).

* عادت‌سازی و نظم درونی: تکرار منظم فعالیت‌های مسجدی، از طریق مکانیسم «شرطی‌سازی اجتماعی»، به نوجوان کمک می‌کند تا رفتارهای عبادی را به بخشی از روتین و نظم روزانه خود تبدیل کند. این نظم، نه تنها در ابعاد مذهبی، بلکه در ساختار شخصیتی فرد نیز اثرگذار است (نورانی، ۱۴۰۱).

۲. ایجاد پناهگاه فکری و مقابله با شبهات

در عصر حاضر، نوجوانان در معرض سیل عظیمی از اطلاعات و شبهات (Doubts) قرار دارند که اغلب بر پایه شکاکیت (Skepticism) و نسبی‌گرایی بنا شده‌اند. مسجد نباید صرفاً مکانی برای تکرار دانسته‌های قبلی باشد، بلکه باید به عنوان یک «مرکز پاسخگویی» (Response Center) عمل کند.

* گفتگو محوری به جای یک‌طرفه بودن: برخلاف رویکردهای سنتی که آموزش را از بالا به پایین (Top-down) می‌دانستند، مسجد مدرن باید بستری برای «پرسش‌گری آزادانه» فراهم کند. نوجوان باید احساس کند که پرسش‌های دشوار او درباره هستی، رنج، و عدالت، در محیط مسجد مورد احترام و بررسی علمی قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۴۰۴).

* تقویت تفکر انتقادی مذهبی: هدف از تربیت دینی در مسجد، پرورش نوجوانانی است که نه تنها باورمند، بلکه «مستدل» باشند. ارائه پاسخ‌های منطقی و کلامی به پرسش‌های معاصر، باعث می‌شود که ایمان نوجوان از یک «ایمان کورکورانه» به یک «ایمان آگاهانه» (Informed Faith) ارتقا یابد که در برابر تلاطم‌های فکری مقاومت می‌کند (کریمی، ۱۴۰۳).

۳. تبدیل ارزش‌های انتزاعی به اخلاق عملی

یکی از شکاف‌های بزرگ در تربیت دینی، فاصله میان «دانستن دین» و «عمل کردن به دین» است. مسجد با ارائه الگوهای رفتاری، این شکاف را پر می‌کند.

* الگوبرداری از رفتار مربیان و مراجعین: در روان‌شناسی رشد، «یادگیری مشاهده‌ای» (Observational Learning) یکی از قدرتمندترین ابزارهاست. نوجوان با مشاهده رفتار اخلاقی، بردبار و متواضع مربیان و بزرگترانی که در مسجد حضور دارند، ارزش‌های اخلاقی را به صورت ناخودآگاه جذب می‌کند (نورانی، ۱۴۰۲).

* تجلی اخلاق در قالب عمل: مسجد با سازماندهی فعالیتهایی نظیر کمک به نیازمندان یا مراقبت از محیط، به نوجوان نشان می‌دهد که دین چگونه در دنیای واقعی، به رفتارهای انسانی و عدالت‌خواهانه تبدیل می‌شود. این امر، دین را از یک مفهوم انتزاعی در ذهن، به یک «اخلاق زیسته» در زندگی تبدیل می‌کند (امینی، ۱۴۰۱).

۴. انس با قرآن و بازتعریف متن مقدس

قرآن کریم در نگاه تربیتی مسجد، نباید تنها به عنوان یک متن برای تلاوت و حفظ (Recitation) دیده شود، بلکه باید به عنوان یک «نقشه راه برای زندگی» (Life Roadmap) بازتعریف گردد.

* تفسیر موضوعی و کاربردی: در محیط مسجد، باید تلاش شود تا آموزه‌های قرآنی با مسائل روزمره نوجوان (مانند مدیریت خشم، انتخاب دوست، مقابله با تنهایی و هدفمندی) پیوند داده شود (صادقی، ۱۴۰۴). این کار باعث می‌شود که نوجوان با قرآن احساس نزدیکی کند و قرآن را پاسخی برای چالش‌های واقعی خود بداند، نه صرفاً یک کتاب تاریخی.

نتیجه گیری بخش سوم

در مجموع، نقش مسجد در تربیت دینی، فراتر از انتقال دانش است؛ این نقش شامل ایجاد امنیت روانی، تقویت قدرت تفکر، و ملموس کردن ارزش ها است. اگر مسجد بتواند از یک «محل تکرار دانسته ها» به یک «فضای تولید باورهای آگاهانه» تبدیل شود، می تواند زیربنای اعتقادی مستحکمی برای نسل آینده بنا کند.

بخش چهارم: نقش مسجد در تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی در دوران نوجوانی، فرآیند یادگیری قوانین، هنجارها و مهارت های تعاملی است که فرد را برای زندگی در یک جامعه پیچیده آماده می کند. در حالی که خانواده اولین واحد تربیت اجتماعی است، مسجد به عنوان یک «محیط اجتماعی واسطه» (Intermediate Social Environment)، فرصتی استثنایی برای تمرین نقش های اجتماعی فراهم می کند.

۱. توسعه مهارت های ارتباطی و تعاملات بین نسلی

یکی از بزرگترین ویژگی های محیط مسجد، تنوع سنی (Age Diversity) بالای حاضرین در آن است. این ویژگی، برخلاف مدارس یا گروه های دوستانه که معمولاً هم سن و سال هستند، یک فرصت طلایی برای تربیت اجتماعی است.

* شکستن پبله ی هم سال محوری: ** نوجوانان در دوران بلوغ، تمایل شدیدی به هم سال محوری (Peer Orientation) دارند که گاهی می تواند منجر به تقلید از رفتارهای آسیب زا شود. حضور در مسجد، نوجوان را با طیف وسیعی از بزرگترها، متخصصان و مربیان روبرو می کند. این «تعامل بین نسلی» (Intergenerational Contact) به نوجوان کمک می کند تا از دیدگاه های وسیع تر، تجربیات عاقلانه را دریافت کند و از افراط و تفریط در رفتارهای هم سالان خود پرهیز نماید (کریمی، ۱۴۰۳).

* یادگیری آداب معاشرت و پروتکل های اجتماعی: تعامل با مراجعین مختلف در مسجد، به صورت خودجوش، مهارت های «هوش اجتماعی» (Social Intelligence) مانند رعایت ادب، گوش دادن فعال، احترام به سلسله مراتب و مدیریت گفتگو را در نوجوان تقویت می کند (نورانی، ۱۴۰۲).

۲. تقویت مسئولیت پذیری و مشارکت مدنی

مسجد می تواند از یک مکان «مصرف کننده خدمات» به یک محیط «تولید کننده خدمت» تغییر ماهیت دهد. زمانی که نوجوان در فعالیتهای مسجدی نقش فعال ایفا می کند، فرآیند «جامعه پذیری فعال» (Active Socialization) را تجربه می کند.

* رهبری و کار تیمی (Leadership and Teamwork): سپردن مسئولیتهای کوچک (مانند مدیریت یک گروه فرهنگی، کمک به برگزاری مراسم یا مسئولیت امور فنی) به نوجوانان، باعث پرورش روحیه رهبری و توانایی کار در تیم می شود. این تجربیات، زیربنای اصلی «خودکارآمدی اجتماعی» (Social Self-Efficacy) است که در بزرگسالی در محیطهای کاری و دانشگاهی به کار آنها می آید (احمدی، ۱۴۰۴).

* ایجاد حس خدمت به جامعه (Sense of Service): فعالیتهای خیریه و اجتماعی که از دل مسجد برمی آید (مانند جمع آوری کمکهای مردمی یا بازدید از مراکز بی سرپرستان)، به نوجوان مفهوم «مسئولیت اجتماعی» را آموزش می دهد. این امر باعث می شود نوجوان از یک فرد «خودمحور» به یک شهروند «مسئولیت پذیر و دلسوز» تبدیل شود (امینی، ۱۴۰۱).

۳. بازسازی هویت اجتماعی در برابر فرهنگ مصرف گرا

در دنیای مدرن، رسانه های اجتماعی و فرهنگ مصرف گرا (Consumer Culture) سعی دارند هویت نوجوان را بر پایه «داشتن» (Having) و «نمایش» (Showing) بنا کنند. مسجد می تواند به عنوان یک «مرکز بازسازی هویت» عمل کند.

* ارزش گذاری بر «بودن» به جای «داشتن»: مسجد با تأکید بر ارزشهای اخلاقی و معنوی، به نوجوان یادآوری می کند که ارزش واقعی انسان در «شخصیت» و «عمل» اوست، نه در کالاهای برند یا جایگاه مجازی در شبکه های اجتماعی. این رویکرد، از بحرانهای هویتی ناشی از مقایسه های مداوم اجتماعی جلوگیری می کند (رضایی، ۱۴۰۲).

* ایجاد شبکه های اجتماعی سالم: مسجد می تواند بستری برای تشکیل گروه های دوستانه با «ارزشهای مشترک» (Shared Values) فراهم کند. این گروه ها، به جای فشار برای رفتارهای مادی گرایانه، بر رشد متقابل و حمایت اجتماعی تمرکز دارند که نقش حفاظتی (Protective Factor) در برابر آسیب های اجتماعی ایفا می کند (صادقی، ۱۴۰۴).

۴. آموزش مدیریت تعارض و پذیرش تفاوت‌ها

جامعه، مجموعه‌ای از افراد با دیدگاه‌های متفاوت است. مسجد به دلیل ماهیت فراگیر خود، محیطی است که در آن نوجوان می‌تواند با تفاوت‌های فکری و رفتاری مواجه شود.

پذیرش تنوع (Tolerance): حضور در مساجد مختلف یا تعامل با طیف‌های مختلفی از مومنان، به نوجوان یاد می‌دهد که جامعه یکپارچه نیست و برای زندگی مشترک، باید «بردباری» و «پذیرش تفاوت» را تمرین کرد. این یکی از کلیدی‌ترین مهارت‌های زندگی در دنیای جهانی‌شده امروز است (کریمی، ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری بخش چهارم

به طور خلاصه، تربیت اجتماعی در مسجد، فرآیند انتقال از «من کوچک» به «ما بزرگ» است. مسجد با ارائه بستری برای تعامل بین‌نسلی، تمرین مسئولیت‌پذیری، بازتعریف هویت و آموزش مدارا، نوجوان را از یک موجود انزواطلب یا صرفاً هم‌سال‌محور، به یک «عضو فعال و مسئولیت‌پذیر جامعه» تبدیل می‌کند که هم با ارزش‌های مذهبی خود همسو است و هم توانایی‌های لازم برای زیست در دنیای معاصر را داراست.

بخش پنجم: آسیب‌شناسی و چالش‌های موجود

برای ارائه هرگونه راهکار تربیتی، ابتدا باید «شکاف میان انتظار و واقعیت» (Expectation-Reality Gap) را به دقت تحلیل کرد. در حال حاضر، نهاد مسجد در مواجهه با نسل جدید (نسل Z و نسل آلفا) با چالش‌های ساختاری، محتوایی و ارتباطی عمیقی روبرو است که منجر به نوعی «فاصله گذاری اجتماعی-مذهبی» (Socio-Religious Alienation) میان نوجوانان و مسجد شده است. این آسیب‌ها را می‌توان در چهار محور اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱. چالش‌های ساختاری و شکاف نسلی (Structural Challenges and Generational Gap)

بسیاری از ساختارهای مدیریتی و اجرایی مساجد، از نظر سن و نگرش، با دنیای مدرن نوجوانان همخوانی ندارد.

* انجماد مدیریت (Management Rigidity): بسیاری از مساجد توسط نسل‌هایی اداره می‌شوند که با پارادایم‌های سنتی و بسته برخورد می‌کنند. این «صلبیت ساختاری» باعث می‌شود که محیط مسجد برای نوجوانانی که به دنبال پویایی و تغییر هستند، محیطی خشک، محدودکننده و حتی سرزنشگر به نظر برسد (احمدی، ۱۴۰۴).

* شکاف ارتباطی (Communication Gap): زبان مورد استفاده در سخنرانی ها و جلسات مسجدی، اغلب زبانی «اقتدارگرا» (Authoritarian) و «فرمان دهنده» است، در حالی که نوجوانان امروزی به دنبال زبان «گفتگومحور» (Dialogic) و «همدلانه» هستند. این عدم تطابق در سبک ارتباطی، باعث می شود پیام های تربیتی اصلاً به لایه های ذهنی نوجوان نفوذ نکند (نورانی، ۱۴۰۱).

۲. چالش های محتوایی و بحران معنایی

محتوایی که در مساجد ارائه می شود، گاهی با نیازهای زیسته و پرسش های واقعی نوجوانان فاصله فاحشی دارد.

* تکرار کلیشه ها و فقدان نوآوری (Lack of Innovation): تمرکز بیش از حد بر موضوعات تکراری و سنتی، بدون پیوند دادن آن ها با مسائل روز (مانند اخلاق در فضای مجازی، سلامت روان، یا چالش های هویت جنسیتی)، باعث شده است که نوجوان، دین را مجموعه ای از «دانسته های قدیمی و بی ارتباط با زندگی» تلقی کند (کریمی، ۱۴۰۳).

* بی توجهی به پرسش های اگزیستانسیال (Neglect of Existential Questions): نوجوانان امروزی با پرسش های دشواری درباره رنج، عدالت، مرگ و معنای زندگی روبرو هستند. زمانی که مسجد این پرسش ها را به عنوان «بدعت» یا «شک و تردید مذموم» طرد می کند، نوجوان به جای یافتن پاسخ در مسجد، به سمت منابع غیرمذهبی و گاهی سکولار یا حتی شبه علمی (Pseudo-science) پناه می برد (رضایی، ۱۴۰۲).

۳. چالش های رقابتی و تسلط رسانه های دیجیتال

مسجد امروزه تنها نهاد تربیتی نیست، بلکه در یک «بازار رقابتی برای توجه» (Attention Economy) قرار دارد که رقبای بسیار قدرتمندی دارد.

* جذابیت های بصری و تعاملی رسانه ها: رسانه های اجتماعی (مانند اینستاگرام، تیک تاک و...) با استفاده از الگوریتم های پیچیده، توجه نوجوان را به سمت محتوای سریع، سرگرم کننده و با کیفیت بصری بالا جلب می کنند. در مقابل، محیط مسجد که اغلب فاقد «طراحی بصری مدرن» و «تعاملات دیجیتال» است، در رقابت برای تصاحب «زمان توجه» (Attention Span) نوجوان شکست می خورد (صادقی، ۱۴۰۴).

* ایجاد ارزش های جایگزین: ارزش های جدیدی مانند «خودمحوری مفرط»، «تجمل گرایی» و «تجزیه گرایی اجتماعی» را ترویج می کند که مستقیماً با ارزش های سنتی و مذهبی مسجد در تضاد است. این تضاد ارزش ها، باعث ایجاد یک «کشمکش درونی» (Internal Conflict) در نوجوان می شود که اگر به درستی مدیریت نشود، منجر به گسست کامل از محیط مذهبی می گردد (امینی، ۱۴۰۱).

۴. آسیب شناسی روان شناختی: ایجاد حس «بی کفایتی» و «انزوا»

رویکردهای تربیتی نادرست در برخی مساجد، ناخواسته به آسیب های روانی نوجوانان دامن می زند.

* آموزش مبتنی بر ترس (Fear-based Pedagogy): تأکید بیش از حد بر مفاهیم تنبیه، عذاب و گناه، بدون ایجاد تعادل با مفاهیم رحمت و عشق الهی، باعث ایجاد اضطراب وجودی و حس «بی کفایتی مذهبی» در نوجوان می شود. این نوجوان که احساس می کند هرگز نمی تواند به استانداردهای سخت گیرانه مسجد برسد، در نهایت از محیط مذهبی فرار می کند تا از فشار روانی خلاص شود (نورانی، ۱۴۰۲).

* حس طردشدگی (Sense of Exclusion): اگر مسجد نتواند فضای «امن و بدون قضاوت» (Non-judgmental Safe Space) را برای نوجوانانی که دچار خطاهای رفتاری هستند فراهم کند، این نوجوانان احساس می کنند که مسجد متعلق به «افراد بی نقص» است و آن ها در آنجا جایی ندارند. این حس طردشدگی، عامل اصلی مهاجرت نوجوانان از نهاد مذهب است (احمدی، ۱۴۰۴).

نتیجه گیری بخش پنجم

به طور خلاصه، چالش های مسجد در تربیت نوجوان، ترکیبی از صلبیت ساختاری، ناتوانی در تولید محتوای معاصر، ضعف در رقابت با رسانه ها و اشتباهات در رویکردهای روان شناختی است. برای عبور از این بحران، مسجد نباید تنها به اصلاح رفتار نوجوان فکر کند، بلکه باید ابتدا «خود را بازسازی کند» تا بتواند مجدداً به عنوان یک مرکز جذب و تربیت، نقش خود را در جامعه ایفا نماید.

بخش ششم: راهکارهای استراتژیک برای بازسازی نقش تربیتی مسجد

برای گذار از وضعیت بحرانی به وضعیت مطلوب، مسجد نیازمند یک «تحول پارادایمیک» (Paradigm Shift) است؛ یعنی تغییر در شیوه نگرش، از یک مرکز صرفاً «مراسم محور» به یک مرکز «انسان محور و جامعه محور». این تحول باید در سه سطح ساختاری، محتوایی و ارتباطی صورت گیرد.

۱. تحول در ساختار مدیریتی: از مدیریت سنتی به مدیریت مشارکتی

اولین قدم برای بازگشت نوجوانان به مسجد، تغییر در چگونگی اداره این نهاد است.

* ایجاد «شورای مشورتی جوانان» (Youth Advisory Board): برای شکستن انجماد ساختاری، باید مکانیزمی طراحی شود که در آن نوجوانان و جوانان، نه به عنوان «مفعول تربیت»، بلکه به عنوان «فاعل تغییر»، در تصمیم‌گیری‌های مسجد نقش داشته باشند. این امر باعث افزایش «حس مالکیت» (Sense of Ownership) در میان نسل جدید شده و آن‌ها را از ناظر به مشارکت‌کننده تبدیل می‌کند (احمدی، ۱۴۰۴).

* تنوع در ترکیب مدیریت (Diversity in Leadership): ترکیب کردن مربیان باتجربه با جوانان متخصص (در حوزه‌های تکنولوژی، روان‌شناسی و هنر) می‌تواند باعث ایجاد تعادل میان «اصالت مذهبی» و «پویایی مدرن» شود. این مدل مدیریت، شکاف بین نسل‌ها را به جای گسترش دادن، ترمیم می‌کند (کریمی، ۱۴۰۳).

۲. تحول در محتوا و روش آموزش: از تلقین به تعامل

محتوای مسجد باید از حالت «یک‌سویه» (One-way Communication) به حالت «چندجانبه» (Multi-way Communication) تغییر یابد.

* استفاده از «رویکرد پرسش‌محور» (Inquiry-based Approach): به جای ارائه پاسخ‌های آماده برای پرسش‌های نوجوانان، باید فضایی برای «پرسشگری آزادانه» ایجاد شود. آموزش باید بر پایه‌ی حل مسئله (Problem-solving) و پاسخ به چالش‌های زیسته (مانند اخلاق در هوش مصنوعی یا مدیریت استرس) باشد تا دین را به عنوان یک «ابزار کاربردی برای زندگی» معرفی کند (نورانی، ۱۴۰۲).

* پیوند دین با علوم مدرن (Integration of Faith and Science): محتوای تربیتی باید بتواند میان آموزه‌های وحیانی و یافته‌های علوم جدید (مانند علوم تجربی و علوم رفتاری) پل بزند. این کار، بحران معنایی را کاهش داده و از بروز تضادهای ذهنی در نوجوان جلوگیری می‌کند (رضایی، ۱۴۰۲).

۳. تحول در ابزار و رسانه: حضور فعال در زیست‌جهان دیجیتال

مسجد نباید در برابر رسانه‌ها منفعل بماند؛ بلکه باید از ابزارهای مدرن برای هدایت افکار استفاده کند.

* تولید محتوای «پلتفرم‌محور» (Platform-based Content Creation): به جای انتظار برای حضور نوجوان در مسجد، مسجد باید به فضای دیجیتال (Short-form videos, Podcasts, Infographics) ورود کند. تولید محتوای کوتاه، جذاب و با کیفیت بصری بالا، می‌تواند به عنوان «دروازه‌ای» (Gateway) برای جذب نوجوانان به فعالیت‌های حضوری عمل کند (صادقی، ۱۴۰۴).

* آموزش «سواد رسانه‌ای و دینی» (Media and Religious Literacy): مسجد باید به نوجوان بیاموزد که چگونه با نگاهی انتقادی و مذهبی، محتواهای فضای مجازی را تحلیل کند. این امر به جای «ممنوع‌سازی»، بر «توانمندسازی» تمرکز دارد و از نوجوان در برابر بمباران اطلاعاتی محافظت می‌کند (امینی، ۱۴۰۱).

۴. تحول در فضای فیزیکی و روان‌شناختی: ایجاد «زیست‌گاه امن»

مسجد باید از نظر روانی، مکانی برای آرامش و نه مکانی برای قضاوت باشد.

* پیاده‌سازی «رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا» (Positive Psychology Approach): تمرکز آموزشی باید از «بیان خطاها و گناهان» به سمت «بازشناسی توانمندی‌ها و فضایل» حرکت کند. ایجاد فضایی که در آن نوجوان احساس «پذیرش بدون قضاوت» (Unconditional Positive Regard) داشته باشد، عامل اصلی ماندگاری او در مسیر رشد معنوی است (نورانی، ۱۴۰۲).

تنوع‌بخشی به فعالیت‌های غیرمذهبی (Diversification of Activities): ایجاد باشگاه‌های ورزشی، کارگاه‌های هنری، گروه‌های برنامه‌نویسی یا فضاهای مطالعه در محیط مسجد، باعث می‌شود که مسجد به یک «مرکز چندمنظوره اجتماعی» تبدیل شود. این امر باعث می‌شود حضور نوجوان در مسجد، از یک «تکلیف سنگین» به یک «تجربه لذت‌بخش اجتماعی» تبدیل گردد (احمدی، ۱۴۰۴).

نتیجه‌گیری بخش ششم

به طور خلاصه، راهکار بازسازی مسجد در گذار از «دین‌موروثی و سنتی» به سوی «دین تجربه‌محور و پویا» نهفته است. این امر مستلزم پذیرش تغییر در ساختار قدرت، نوسازی ابزارهای ارتباطی و پیش از همه، تغییر در نگاه به نوجوان از یک «موجود نیازمند اصلاح» به یک «شریک در تعالی» است. تنها با این رویکرد است که مسجد می‌تواند دوباره به عنوان قطب اصلی تربیت در جامعه، جایگاه خود را باز یابد.

بخش هفتم: نتیجه گیری

این مقاله با تبیین نقش حیاتی مسجد به عنوان یک کانون چندمنظوره، بر اهمیت آن در تربیت دینی و اجتماعی نوجوانان در عصر دیجیتال تأکید می کند. نویسنده معتقد است مسجد پتانسیل بالایی برای تبدیل «دین موروثی» به «دین آگاهانه» و پرورش مهارت های اجتماعی از طریق تعاملات بین نسلی دارد، اما در حال حاضر با شکاف عمیقی میان ظرفیت های تئوریک و واقعیت های اجرایی روبروست. چالش های اصلی شامل انجماد ساختاری مدیریت، زبان اقتدارگرا، عدم پاسخگویی به پرسش های اگزیستانسیال و رقابت ناتوان با جذابیت های بصری رسانه های اجتماعی است که منجر به نوعی بیگانگی محیطی در نسل های جدید شده است. برای عبور از این بحران، مقاله پیشنهاد می دهد که مسجد باید از یک مرکز صرفاً مراسم محور به یک فضای انسان محور و پویا تغییر ماهیت دهد. این تحول مستلزم گذار به مدیریت مشارکتی با حضور جوانان، جایگزینی رویکرد پرسش محور به جای تلقین، و حضور فعال در زیست جهان دیجیتال از طریق تولید محتوای جذاب است. در نهایت، ایجاد یک «زیست گاه امن» که در آن به جای تمرکز بر ترس و گناه، بر توانمندی ها و روان شناسی مثبت گرا تأکید شود، می تواند مسجد را دوباره به پناهگاهی برای رشد همه جانبه نوجوانان تبدیل کند.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. اکبری، رضا. (۱۴۰۱). *رسانه های دیجیتال و تغییر در ارزش های نسل جدید: چالش ها و فرصت های تربیتی*. تهران: نشر روان.
۲. احمدی، علیرضا. (۱۴۰۴). *مسجد شایسته در تمدن نوین اسلامی: کارکردها، ساختارها و الگوهای نو سازی*. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. امینی، محمد. (۱۴۰۱). *مسئولیت پذیری اجتماعی و اخلاق عملی در بستر نهادهای مذهبی*. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. حسینی، سید محسن. (۱۴۰۳). *تحلیل جامعه شناختی بیگانگی محیطی نوجوانان از نهادهای مذهبی سنتی*. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۸(۲)، ۴۵-۶۲.
۵. رضایی، زهرا. (۱۴۰۲). *معنویت، تاب آوری و سلامت روان در دوران نوجوانی: رویکردی تلفیقی*. شیراز: نشر نوید شیراز.



۶. صادقی، احمد. (۱۴۰۴). تفسیر موضوعی و کاربردی قرآن کریم ویژه مربیان نوجوان. قم: نشر جامعه مدرسین.

۷. کریمی، مرتضی. (۱۴۰۳). جامعه پذیری ثانویه و سرمایه اجتماعی در مساجد؛ بررسی تعاملات بین نسلی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۸. موسوی، سید علی. (۱۴۰۱). روان شناسی رشد و آسیب شناسی رفتاری دوران نوجوانی. تهران: نشر سمت.

۹. نورانی، حسین. (۱۴۰۱). اصول و مبانی تربیت دینی در عصر رسانه. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۰. نورانی، حسین. (۱۴۰۲). روان شناسی مثبت گرا و یادگیری مشاهده ای در محیط های تربیتی مذهبی. مشهد: به نشر.

(English References) (ب) منابع انگلیسی

۱۱. Santrock, J. W. (2019). *Adolescence* (17th ed.). McGraw-Hill Education.